

## جای خالی شاهرخ و کوروش - کارنامه مردودی میانه بازان

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

تب و تاب انتخابات و مجددا هجوم تبلیغاتی بازوهای آشکار و پنهان نظام بربریت حاکم بر ایران نزدیک میشود. در حالیکه تجربه ایرانیان مبنی بر مردود بودن امکان انتخابات آزاد است، اما که میانه بازان و برای چندمین بار با پیش کشیدن مبحثی بنام مطالبات یا برنامه محوری و امکان و احتمال اصلاحات و عقب راندن رژیم میخواهند به وظیفه خود عمل نمایند و خاک بر چشم نسل جوان بپاشند. در این مطلب وبه کوتاهی سری بزیم به رئیس عناوین مطروحه از سوی این نرم تنان سیاسی در این راستا و قبل از آن یادی میکنم از دو جان فشان اردوی کارگران که هر زمان حتی نام آنها مترادف با افشای این شامورتی بازی است. یاد شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده را مینویسم یاد دو انسان که جدا جسارت و شجاعت سیاسی هردو رشک بر انگیز بود و جان فشانی هردو و چگونگی مرگ آنها و مسئولیت جلاد وزندانان در خور تعقیب جزایی در محافل بین المللی.

\*\*\*\*\*

رصد کردن اهداف سیاسی هردو رفیق ما میرساند که استقلال طبقاتی در تلاش های سیاسی سکوی پرش مناسب هردو بود. زندگی و مرگ هردو دلیلی بر عدم امکان استحاله و اصلاح کلیتی است بنام جمهوری اسلامی. در حالیکه مجامعی باسسه ای بنام جمهوری خواهان اکیدا در جهت سیاست ارتجاعی همه با هم تشکیل و فعالیت کرده اند اما که کارنامه سیاسی شاهرخ و کوروش نشان از میثت و اعتقاد آنها به مسئله طبقاتی بودن دولت، احزاب و تلاش های روزمره سیاسی و بویژه طبقاتی بودن هرگونه تشکیل و برنامه سیاسی ادعا و بیانیه و حرکت سیاسی بود. هردو جدا مخالف جنبش همه با هم و جانشان را برای باور استقلال طبقاتی کارگران گرو گذارند. که شاهرخ و کوروش زمانی جانشان را بخشیدند و فدییه راه رهایی زحمتکشان ایران نمودند که انعکاس این جانفشانی سبب هرچه بیشتر رسوایی میانه بازان باصطلاح جمهوری خواه و زد و بند چی اصلاح طلب شد.

\*\*\*\*\*

این جماعت اغلب بازمانده همان دارودسته هایی هستند که رژیم بربریت حاکم بر میهن ما را به دو جناح اصلی تندرو و میانه رو تقسیم کردند. امکان استحاله و اصلاح نظام اسلامی را جار زدند و تا همکاریهای سیاسی - امنیتی با رژیم پیش رفتند. وقتی نوبت ریاست جمهوری به هاشمی رفسنجانی رسید آب از لب و لوجه آنها جاری شد همراه نمایندگان بانک جهانی و سازمان بین المللی تجارت و صندوق بین المللی پول به پشت جبهه دولت وی تبدیل شدند. مطالبه محوری را پیشه ساختند و چون کار به خاتمی و تبلیغات بی دریغ CNN و BBC و شرکا رسید از خود بی خود شدند و گور با چف ایرانی را در سیمای آخونده خنده رو یافتند! بادم نیرو دکه در نخستین گام ها دایناسورهای لانه کرده در جمع جمهوری خواهان سخن از برنامه عملی برای برون رفت از نظام مذهبی و ایجاد دموکراسی و سکولاریسم و تحولات ساختاری گفتند. اما که چندی طول نکشید تا زیر عبای آخوند خاتمی پنهان شدند. همانطور که در شهبای جوانی روی دنده چپ خوابیدند و چون برخاستند از سمت راست اردوی حزب اله شرمنده (اصلاح

طلبان) خارج شدند. جالب اینکه گذشته از ادعاهای اغلب لاف در غربت همان راهی را پیمودند که از روز نخست تاسیس نظام بربریت در حمایت از ماشین کشتار رژیم اتخاذ کرده بودند. تفاوتی که اینبار و در تشکیلات جدید داشتند چشمک های مداوم بسوی آنتن های آمریکایی که با قبول اقتدار یک قطبی امپراطوری انحصارات امپریالیستی پادویی خود را از سوی مسکو به طرف واشینگتن تغییر مسیر و ماهیت دادند.

\*\*\*\*\*

نام وزندگی و جان فشانی شاهرخ زمانی و کوروش بخشنده ها یادآور این است که هنوز دلآوری و مرام و معرفت انقلابی و گردن فرازی مبارزاتی نمرده و در هر مرکز تولیدی و خدماتی و هر جا که انسانهایی با فروش نیروی کار خود تامین معاش میکنند آرمان رهایی و آزادی و باور به مبارزه طبقاتی و امکان زمین زدن دیو سرمایه حضور دارد. یاد شاهرخ و کوروش ها تجسم این مسئله است که سوسیالیسم فقط یک باور نیست بلکه راه و روش مبارزاتی برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی است. که شاهرخ ها در طول تاریخ ثابت کرده اند که میانه بازان سیاسی ونفی کنندگان مبارزات طبقاتی چگونه انرژی انقلابی کارگران و زحمتکشان و ارتش کار را به هدر میدهند و از این زاویه در خدمت ارباب سرمایه و سلطه فاشیستی دیکتاتورها و حکومتی توتالیته هستند. چپ های که در مجمع جمهوری خواهان با روضه اتحاد اتحاد سینه میزنند دقیقا در این مسیر انحرافی حرکت کرده اند. آنها هم در حرف به سوسیالیسم باور دارند ولی آنها به ایده هایی چون ظهور نجات بخش و امام زمان شیعیان آمیخته اند و میگویند تا آن موقع بهتر است به مطالبه محوری امکان عقب نشینی حکومت را فراهم آوریم حکومتی که در باطن از آنها بعنوان نوکر بی جیره و مواجب سود برده است.

\*\*\*\*\*

چون به مفاد اساسنامه و مرام نامه آنها نگاهی اندازیم، آنچه که بیشتر از هر چه مداوم تکرار شده، همان واژه های لائیک، سکولار، دموکرات و دموکراسی و مطالبه محوری است. آنچه که در لابلای خطوط و با حرکت سالیان خود ثابت کرده اند اما که جدا در جهت ساختن کلیتی بنام جمهوری اسلامی لائیک (جمع اضداد) فعالیت کردن است. عملا به بازوی خارج کشوری حزب مشارکت تبدیل شدند و با گذشت زمان وزمین خوردن های مستمر و مورد مضحکه واقع شدند انشعاب کردند و شاخه ای از جمهوری خواهان ابتر، سراغ نزدیکی با طیف سلطنت طلب رفتند. البته این جماعت آنقدر تجربه سیاسی دارند که نگویند منظور از این سمت گیری نه اتحاد و ائتلاف با مشروطه خواهان که چشمک آتشین بسوی عوامل آمریکایی است که آنان را به بازی بگیرند! از دید دولت طبقاتی سخت در تعقیب استحاله رژیم به یک کلیت از بورژوازی و دولتش با شرط رعایت قواعد بازی بین المللی هستند. دولت متشکل از برنامه و اهداف سرمایه داری که خود را ملزم به عضویت در باشگاه سردمداران نئولیبرال بدانند. در این راه اسانید دانشگاهی (برخی با کار جانبی بساز بفروشی) و زوج هایی با بیش از نیم میلیون دلار حقوق سالیانه دانشگاهی میخواهند در بزنگاهی که جان شاهرخ و کوروش ها را میگیرد تروریستهای مذکور را دعوت به رعایت قواعد بازی نمایند.

\*\*\*\*\*

اتحاد جمهوری خواهان با کارنامه مردودی و شکست های عمده حتی نتوانست به سنت های نیروی مدافع دولت مدرن و باور به چنین مبحث (بورژوازی) هم وفادار بماند. دولت مدرنی که باید اکیدا در سازه اش، دولت و دین جدا باشد و اولویت حقوق فرد بر جمع عیان و دولت را تنها حوزه عمومی اجتماع بدانند و اکیدا در بازیهای ارتجاعی آن شرکت نکنند. نیرویی حتی بورژوا اما که در جهت

حرکت به سمت تقویت زمینه ها برای ایجاد دولتی نوین (بورژوازی) در درجه نخست افشاکننده حضور نهادهای دولتی در حوزه خصوصی باشد. این جماعت دعوی خود را با ولی فقیه هم نمیدانند و با حمایت از خاتمی و حال روحانی کلید بدست در رویای مسیر چینی رفسنجانی شریک شده اند. که در کل بورژوازی غیرتاریخی ما انعکاس خود را در نمایندگان سیاسی خود حتی باسابقه وسابقه فعالیت در اردوی چپ میگذارد.

\*\*\*\*\*

برای اعلام وفاداری با شاهرخ و کوروش ها مینویسیم که افشا میانه بازان سیاسی داخل و خارج کشور یک مسئولیت است. نیرویی که این سیاسی کاران همدست عسس از ملت و نیروی انقلابی گرفته اند کمتر از تبلیغات و ضد اطلاعات بازوان رسمی رژیم نبوده است. اکنون هم با رسیدن زمان انتخابات در چهار چوب های متفاوت اعم از حمایت از انتخابات تا خاک پاشیدن به چشم عموم راه رفته را با وسایل مختلف ادامه میدهند. ما اما که گویی یاد شاهرخ و کوروش ها را با تلاش بی وقفه جهت افشا دو دوزه بازان مرفه و شکم پر ادامه میدهیم. ما تلاش خود را جهت زمینه سازی تقویت اردوی کار علیه سرمایه ادامه داده و سوسیالیسم را آرمانی عملی و آینده بشریت میدانیم. این آرمان اما که در جز جز زندگی امروز ما حاضر و در حال رشد در بطن همین مناسبات سرمایه داری کنونی است. پس برای تقویت این مهم نیکوتر آنکه به مبارزه طبقاتی و استقلال اردوی کار و عمل انقلابی مستمر و محوری وفا دار بمانیم.





















